

برخورد تمدن اسلام و غرب از نگاه امام خمینی علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی *

مقدمه

پیامبر صلی الله علیه و آله با هجرت به مدینه، تمدن اسلامی را در این شهر پایه‌گذاری کرد. پس از رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله متأسفانه شرایط و فضایی فکری به وجود آمد که عمل حداکثری ناممکن شد؛ اما آموزه‌های اسلام به اندازه‌ای متعالی بود که حتی عمل حداقلی به آن توانست تمدن بزرگی را به وجود آورد.

در نوشتار پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی به شیوه برخورد تمدن غرب و اسلام از نگاه امام خمینی علیه السلام پرداخته می‌شود. برای پی بردن به نظر امام در برخورد تمدن غرب و اسلام باید ابتدا این دو تمدن تعریف و شرح داده شود.

فرهنگ و تمدن از واژه‌هایی هستند که قوام حکومت‌ها و مکتب‌ها بر آنهاست و هر کشوری می‌کوشد فرهنگ و تمدن خود را ارتقا بخشد و به دیگر کشورها صادر کند؛ زیرا یکی از راه‌های ارتقای فرهنگ و تمدن، اقتباس از تمدن‌های دیگر است و رشد تمدنی گاهی متکی به تمدنی است که با تمدن مادر متفاوت است.^۱

فرهنگ: این واژه پدیده‌ای است که با پیدایش انسان بر روزی زمین ظاهر شده است. فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت است از خاطرات، ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی یک ملت.^۲ بنا بر نظر ایشان فرهنگ، اساس هویت

* دکتری تاریخ و تمدن اسلامی.

۱. علی اکبر ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۱.

۲. عبدالحسین خسروپناه، جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها، ص ۲۶.

یک جامعه است.^۱

تمدن: به معنای شهر و محل اجتماع گرفته شده است و معادل شهرآیینی و حسن معاشرت است؛^۲ بنابراین تمدن یعنی انتقال از حالت خشونت، توحش و جهل به ظرافت، انس و معرفت. تمدن اسلامی: آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی و مؤلفه‌های دین اسلام از جمله اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و ... پایه‌های تمدن اسلامی هستند. عمل به این آموزه‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها، سنن، معارف، علوم اسلامی و ذخایر مشترک مادی و معنوی باعث تشکیل تمدن اسلامی خواهد شد.^۳

تمدن غرب: این تمدن بر اساس مؤلفه‌های سه‌گانه اومانیزم (انسان‌محوری)، سکولاریزم (دخالته نداشتن دین در شئون مختلف زندگی اجتماعی انسان) و لیبرالیسم شکل گرفته است. غربی‌ها با انتقال یافته‌های تمدن اسلامی اعم از آثار علمی و فرهنگی به اروپا، آن را با مؤلفه‌های فوق بومی‌سازی کردند و در شکل جدید به دنیا عرضه نمودند. یافته‌های مسلمانان از طریق تمدن اسلامی آندلس^۴ و تاراج آثار علمی - فرهنگی مسلمانان^۵ به غرب راه پیدا کرد. مبانی سه‌گانه فرهنگ غرب (اومانیزم - سکولاریزم و لیبرالیسم) از نظر اسلام نپذیرفتنی و در مقابل آن خدامحوری، دین و عدالت است.^۶ همین تفاوت فرهنگی - تمدنی، دو تمدنی به وجود آورده است که یکی نگاه آسمانی و دیگری نگاه زمینی دارد.

امام و تمدن

امام خمینی علیه السلام بارها در سخنرانی‌ها و نامه‌ها به واژه تمدن و مشتقات آن اشاره کرده‌اند. سخنان ایشان در مجموعه‌ای با عنوان صحیفه امام گرد آمده است که واژه «تمدن» ۱۵۲ مرتبه و واژه «متمدن» ۲۵ بار تکرار شده است.^۷

۱. امیر سیاه‌پوش و علی آقاپور، فرهنگ از منظر مقام معظم رهبری، ص ۸۶.

۲. فاطمه جان‌احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۴.

۳. مصطفی محسنی، از زبان روزگار، ص ۱۶.

۴. گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۷۴۶.

۵. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۲۷.

۶. محمدتقی مصباح یزدی، جوانان، ص ۳۵.

۷. حبیب زمانی محجوب، «بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، ص ۱۳۶.

از نگاه ایشان تمدن تنها در پیشرفت‌های مادی و مظاهر دینوی خلاصه نمی‌شود، بلکه از جنبه معنوی آن نیز نباید غافل شد؛ از این رو می‌فرماید:

مستشرقان تمدن را تنها در ساختمان‌های بلند، بناهای عالیبه و ساختمان مدارس و مساجد و مانند اینها محدود کرده‌اند، یعنی در یک نگاه محدود و ماده‌نگر، تمدن هم عمدتاً به دستاوردهای مادی محدود می‌شود و حال آنکه در نگاه عمیقی که برخاسته از نگاهی خاص به انسان و تعامل انسان با محیط پیرامون و تعامل انسان و خداست، انسان وارسته، اخلاقی و فرهیخته نیز یک دستاورد تمدنی به حساب می‌آید.^۱

همچنین در این باره می‌فرماید:

اسلام پیشرفته‌ترین حکومت را دارد و به هیچ‌وجه حکومت اسلام با تمدن مخالفی نداشته و ندارد و اسلام خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد شد.^۲

برخورد تمدن غرب و اسلام

کشورهای اسلامی، جوامع سنتی و کشورهای غرب، جوامع مدرن به شمار می‌آیند. کشورهای مدرن از جهات مختلف علمی (صنعتی - پزشکی - نظامی و ...) توانسته‌اند پیشرفت‌های قابل توجهی داشته باشند. همین امر باعث شد نگاه‌های متفاوتی در مواجهه به غرب و تمدن آن به وجود آید که سه نگاه متصور است: غرب‌زدگی، غرب‌ستیزی و دیدگاه معتدل به تمدن غرب.

الف) غرب‌زدگی

غرب‌زدگی به معنای تقلید مطلق و شیفتگی به غرب است. این گروه نگاه کامل و صددرصد به غرب و فرهنگ و تمدن آن دارند. با پیشرفت صنعت و تکنولوژی در غرب، برخی از روشنفکران در جوامع اسلامی خود را عقب‌افتاده تلقی کردند و راه برون‌رفت از این عقب‌افتادگی را در پیروی بدون چون و چرا از غرب دانستند و پیشرفت از هر نوع را در تابعیت از غرب جستجو کردند.

در ایران نیز در عهد قاجار و از اواسط ناصری به نوعی وادادگی خواص را مشاهده می‌کنیم؛ از جمله تقی‌زاده قائل بود: «ایران باید ظاهراً و باطناً و جسماً و روحاً فرنگی مآب شود و بس».^۳

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۷۰.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۰۵.

۳. مجله کاوه، ش ۳۶، ص ۴.

این رویه تا زمان پهلوی دوم ادامه یافت؛ مقام معظم رهبری علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:
یکی از شخصیت‌های سرشناس معروف می‌گفت: ایرانی، یک لوله‌نگ نمی‌تواند
بسازد! - لوله‌نگ یعنی آفتابه گلی؛ آن زمان‌ها از گل، آفتابه درست می‌کردند. این جور
این ملت را تحقیر می‌کردند.^۱

این افراد راه پیشرفت را غربی شدن دیدند که نشان‌دهنده از خودباختگی و بی‌خبری از تمدن
شگرف و باشکوه خودی بود. اگر این افراد پیشینه تمدنی خود را می‌دانستند، برای احیای آن با
نگاه به درون و درصدد احیای آن برمی‌آمدند، نه آنکه خود را هیچ‌پندارند و همه چیز را در غرب
و غربی‌شدن خلاصه کنند و حتی اگر برای خود، خودی هم قائلند مانند محمدرضا پهلوی خود
را جداشده از غرب پندارند که باید به اصل خود برگردد. علی‌اکبر حکمی‌زاده در کتابچه‌ای
احکام اسلام را ارتجاعی و ناکارآمد معرفی کرد و امام خمینی علیه‌السلام با نوشتن کتاب کشف اسرار به
وی پاسخ داد. ایشان با اشاره به اینکه نویسنده کتاب شخصی بی‌اطلاع از قوانین اسلام بوده
است، با استناد به دلایل فراوان تأکید کرد دین اسلام ارتجاعی نیست و احکام اسلام پاسخگوی
جزئی‌ترین نیازهای بشری در تمام زمان‌هاست.^۲

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مرتجع‌خواندن انقلابیون شدت یافت؛ در چنین شرایطی
امام علیه‌السلام فرمود: «دولت اسلامی قهقراگر نیست و با همه مظاهر تمدن موافق است، مگر آنچه که
به آسایش ملت لطمه وارد آورد و با عفت عمومی ملت منافات داشته باشد».^۳ همچنین در
کشف اسرار از کسانی که جوامع اسلامی را تحقیر و تمدن غرب را ستایش می‌کنند و آن را معیار
خوبی و بدی تصور می‌نمایند، انتقاد می‌کند و این تصور را خطا می‌داند و بیان می‌دارد:

وضعیت زندگی در غرب و اروپا، سراسر آشوب و جزء بدترین زندگی‌هاست ... آنچه
در اروپاست بیدادگری، دیکتاتوری، خودسری و کُشورسوزی است. در آنجا عدالت
رعایت نمی‌شود و میلیون‌ها انسان و از جمله زنان و کودکان بی‌گناه، با صدها هزار تن
بمبئی که در شهرها فرو ریخته شده، به دست هم‌کیشان خود کشته شده‌اند. فتنه‌ها و

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با بسیجیان، ۱۳۸۴/۰۹/۰۷.

<https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=25588>

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کشف اسرار، ص ۷-۸.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۱۸.

آشوب‌های وحشیانه در اروپا به حدی است که حتی درندگان نیز از آن بیزارند.^۱
در جای دیگری می‌فرماید:

یکی از امور دیگری هم که باز من گفته‌ام این است که ما را جوری بار آورده‌اند که یا باید فرنگی مآب باشیم یا هیچی. یک نفر جوان، یک نفر خانم اگر سر تا پایش فرنگی مآب است، این معلوم می‌شود خیلی عالی مقام است و اگر چنانچه مثل سایر مسلمان‌هاست، این خیلی عقب‌افتاده است. عقب‌افتادگی و جلورفتن را به این می‌دانستند که فرنگی مآب باشد... برای همین جهت ما را مصرفی بار آوردند. امثال تقی‌زاده گفته بود که ما باید سر تا پامان انگلیسی باشد یا فرنگی باشد و باید این‌طور باشیم تا اینکه آدم بشویم. آدم بودن را به کلاه و کفش و لباس و بزک و امثال ذلک می‌دانستند.^۲

ب) غرب‌ستیزی

غرب‌ستیزی یا غرب‌گریزی به معنای انکار و رد هر مؤلفه مرتبط با غرب است. نگاه این گروه صفر است. این گروه معمولاً مذهب‌بینانی هستند که به خباثت غربی‌ها پی برده‌اند؛ اما نتوانسته‌اند تمدن غرب را به خوب و بد تقسیم کنند؛ از این‌رو نگاه‌شان به غرب کاملاً منفی است. چنین نگاهی باعث می‌شود چشم بر یافته‌های علمی مغرب‌زمین بسته شود و برای کشف یا اختراع هر پدیده‌ای مسلمانان باید خود از صفر شروع کنند؛ درحالی‌که روشن است نمی‌توان چنین نگاهی را تأیید کرد. امام علیه السلام در توجیه ذهنیت این افراد می‌فرماید:

احساس خطر آنها از گسترش فرهنگ بیگانه، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب، باعث شده است که آنها با اختراعات و دستاوردهای صنعتی تمدن غرب نیز برخورد احتیاط‌آمیز کنند. این گروه به حدی به غرب، به دلیل جنبه استعماری‌اش بدبین بودند که به هیچ جنبه‌ای از تمدن غرب اطمینان نمی‌کردند و به دستاوردهای تمدن غرب به عنوان مقدمه ورود استعمار می‌نگریستند، لذا حکم به تحریم و منع استفاده از آنها می‌دادند.^۳

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، کشف اسرار، ص ۲۷۲-۲۷۳.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۷۴.

۳. همان، ص ۹۶.

ج) دیدگاه معتدل به تمدن غرب

نگاه این گروه بین صفر و صد است و امام علیه السلام نگاه ژرف و معقولانه این نظریه را می‌پسندند. در سخنانان و سیره امام علیه السلام، نه رد کامل غرب و نه تأیید کامل آن وجود دارد، بلکه پذیرشی مشروط در مبنای کار خود قرار می‌دهند و پدیده‌های وارداتی از غرب را با ابزار دینی و معنویت می‌سنجند؛ بنابراین آنچه منافاتی با آموزه‌های دینی ندارد و ارتقای تمدنی جامعه را در پی دارد، پذیرفته می‌شود و خلاف آن رد می‌شود. این نگاه برخاسته از آموزه‌های دینی است؛ همان‌گونه که پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ». ^۱ در شرح این کلام نبی اکرم صلی الله علیه و آله برخی بُعد مکانی را مطرح کرده‌اند؛ یعنی به دنبال دانش باشید، حتی اگر مجبور شدید به دورترین نقاط عالم سفر کنید و در آن زمان، چین دورترین مکانی بود که شناخته می‌شد. برخی نیز گفته‌اند این حدیث ناظر به بُعد عقیدتی است؛ یعنی دانش بجوید اگر که خاستگاه آن چین مشرک باشد؛ زیرا در آن زمان ایران و روم که مهد تمدن دنیا بودند، اهل کتاب به شمار می‌آمدند؛ اما چین از نظر عقیدتی در فاصله بیشتری با این دو کشور قرار داشت.

امام در دوگانگی صفر و صدی به تمدن غرب، راه اعتدال را پیش می‌گیرند و بیان می‌کنند: «اسلام علم و تخصص را تمجید کرده و مسلمانان را به علم‌آموزی و یادگرفتن دانش دعوت می‌کند و از آنها می‌خواهد اگر علم نزد کافران نیز باشد بروند و آن را یاد بگیرند». ^۲ ایشان حتی قائل به تمایز است؛ تمایز بین آثار ویران‌کننده فرهنگ غرب از یک‌سو و پیشرفت‌های علمی از سوی دیگر.

ارزش‌های معنوی همچون توحید و عدالت به بالاترین حد آن در اسلام وجود داشت و چیزی نیست که مسلمانان در این‌گونه ارزش‌ها بر سر سفره غربی‌ها بنشینند؛ اما این امر سبب نمی‌شود اگر غربی‌ها داروی بیماری لاعلاجی را کشف کرده‌اند، مورد توجه ما قرار نگیرد؛ زیرا روایات و سیره بزرگان ما جز این است.

امام خمینی علیه السلام در جایگاه یک عالم و کارشناس دینی که آموزه‌های دینی را به حق درک کرده‌اند، با تمام شئون تمدن جدید مخالفت ندارد، نه نفی کامل و نه هضم شدن در آن، بلکه به پیشرفت‌ها توجه می‌کند و با فساد و توحش مخالف است. این همان راه اعتدالی است که تجدد و پیشرفت مادی را می‌پذیرد، اما به معنویت پشت نمی‌کند؛ بنابراین به‌صراحت در جای دیگر

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۱.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۶۷.

می‌فرماید:

در اسلام، تمام آثار تجدد و تمدن مجاز است، مگر آنهایی که فساد اخلاق بیاورد، فساد عفت بیاورد. اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده؛ آنهایی که موافق با مصالح ملت است، آنها را اثبات کرده است.^۱

امام علیه السلام با واقع‌بینی برای مقابله با فرهنگ غرب، توصیه به تقویت امور معنوی دارد و بین پیشرفت و ابتدال غربی تفکیک قائل می‌شود و می‌فرماید:

اشکال در کار نیست که آنها ترقیات مادی زیادی کردند، ما این را درش اشکالی نداریم؛ لکن اشکال سر این است که ما آداب‌مان را هم از آنها می‌خواهیم بگیریم، قوانین‌مان را هم می‌خواهیم از آنها بگیریم... در صورتی که در تمدن مقدم نیستند، بلکه بسیار عقب‌افتاده‌اند. آئی که جلو هستند، این است که آلاتی درست کردند آدم‌کش، دنیا را به آتش می‌زنند... اگر تمدن این است، همه عالم باید از تمدن بیزار باشد... آن‌که ضامن این است که یک کشوری درست بکند که متمدن باشد، آزادی خواه - به معنای حقیقی اش - باشد، استقلال داشته باشد - به معنای حقیقی اش - آن مکتب انسانیت است.^۲

امام خمینی علیه السلام دربارهٔ رابطه با کشورهای غربی نه طرفدار قطع رابطه است و نه مانند برخی عطش رابطه دارد، بلکه می‌فرماید:

چگونه باید روابط میان ایران و غرب تنظیم شود؟ ضدغرب هستید؟ خیر، ضدغرب نیستیم، ما خواهان استقلال هستیم و روابط خود را با جهان غرب بر این اساس پی‌ریزی می‌نماییم. ما می‌خواهیم ملت ایران غرب‌زده نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام برداریم.^۳

بر اساس فرمایش امام علیه السلام، حتی اگر پیشرفت در خدمت بشر نباشد، توحش است؛ ایشان می‌فرماید:

این چیزهایی که در ممالک دیگر شما خیال می‌کنید تمدن است، وقتی که درست تأمل کنید تمدن نیست، بلکه به توحش نزدیک‌تر است؛ برای اینکه تمام سلاح‌های مدرنی

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۶۳.

۲. همان، ج ۹، ص ۸۲.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۶۰.

که درست کردند، همه برای کشتن همجنس خودشان و قتل عام کردن بشر است ...

تمدن صحیح در اسلام است؛ چنانچه حریت صحیح در اسلام است.^۱

شاید برخی بگویند همان طور که امام علیه السلام و جمهوری اسلامی سخن از تمدن می گویند، پهلوی نیز از تمدن سخن می گفت و به زعم خود قصد داشت دروازه تمدن را به روی ایران بگشاید؛ اما آنچه به دنبالش بود، همان نگاه آخوندزاده، تقی زاده و حکمی زاده ها بود. او قصد داشت به نام تمدن، درب های کشور را به روی تمام ویژگی های تمدن غربی باز کند و این به معنای حاشیه راندن فرهنگ اسلامی و ایرانی بود؛ از این رو امام علیه السلام با آن به مقابله پرداخت. مقابله با تمدن ادعایی پهلوی همان نقد تمدن غرب به شمار می آید؛ چراکه پهلوی قصد داشت همان نسخه را بدون گذراندن از صافی های فرهنگ اسلامی - ایرانی در ایران اجرا کند. او به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران اسلامی توجه نداشت یا توجه داشت و اهمیت نمی داد. اگرچه غربی ها هشیارتر از این حرف ها بودند و فقط فرهنگ خود را به ایران و کشورهای مشابه صادر می کردند؛ اما شواهد نشان می دهد علم و تکنولوژی را در انحصار خود نگه می داشتند و کشورهای جهان سوم را به بازار مصرفی خود تبدیل کرده بودند. امام در این باره می فرماید: «بازارهای کشورهای اسلامی، مرکز فروش کالاهای غربی و شرقی شده است و سیل کالاهای مبتذل و اسباب لهو و لعب و وسایل مصرفی متوجه آن شده است».^۲

به رحال امام علیه السلام، تمدن پهلوی که همان تمدن غرب بود را در جای جای بیانات زیر سؤال

می برد. در ادامه به برخی از فرمایشات ایشان در این باره پرداخته می شود:

الف) «به اسم "تمدن بزرگ"، فرهنگ ما را عقب زدند و به اسم "پیشرفت"، کشاورزی ما را به کلی از بین بردند و به اسم "آزادی"، آزادی های تمام مطبوعات ما و مجال تبلیغاتی ما را مختق کردند».^۳

ب) «به اسم "تمدن و ترقی"، ما را عقب بردند، فرهنگ ما را عقب راندند؛ تمام اوضاع ایران را خراب کردند».^۴

ج) «به اسم "تمدن"، جوان های ما را به فحشا کشیدند. به اسم "آزادی"، همه آزادی ها را از ما

۱. همان، ج ۸، ص ۳۰۹.

۲. علی داستانی بیرکی، رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۷۸.

۴. همان، ج ۶، ص ۶۸.

سلب کردند»^۱.

امام علیه السلام برخی از شئون سخت‌افزاری تمدن غرب را می‌پذیرد که همان پیشرفت‌های علمی است؛^۲ اما دست رد به سینه یافته‌های نرم‌افزاری فرهنگ غرب می‌زند؛ چراکه بر اساس مادی‌گرایی است و تقابل مذهب را در پی دارد. به نظر امام «کسب قدرت مادی یا ثروت و تسخیر طبیعت و فضا از عهده حل [مشکلات اجتماعی غرب] بر نمی‌آید. ثروت و قدرت مادی و تسخیر فضا احتیاج به ایمان و اعتقاد و اخلاق اسلامی دارد ... تا در خدمت انسان قرار گیرد»^۳.

نتیجه

زمانی که اروپاییان در توحش زندگی می‌کردند، سرزمین‌های اسلامی از علم و تمدن بسیار شکوهمندی برخوردار بودند. در دوره معاصر به دلایل متعدد تمدن اسلامی رو به افول نهاد و یافته‌های علمی و تمدنی مسلمانان تاراج و به اروپا منتقل شد و غربی‌ها تمدن جدید خود را بر اساس پایه‌های تمدن اسلامی استوار کردند. اما به جای آنکه شکرگذار باشند، کوشیدند بقایای تمدن اسلامی را نیز از بین ببرند و هرگونه حرکت تمدن‌خواهی را سرکوب نمایند.^۴ تلاش آنها بر این بود تا با علم و تکنولوژی به دست آمده فرهنگ خود را بر کشورهای دیگر غالب و جهان را به بازار فروش تولیدات خود تبدیل کنند؛ اما علم و تکنولوژی را در انحصار خود نگه دارند. از طرف دیگر تمدن آنها بدون معنویت و بر اساس مادی‌گرایی صرف بنا نهاده شده بود؛ بنابراین ترویج فرهنگ آنها در کشورهای اسلامی، افزون بر اینکه این کشورها را به بازار کالاهای آنها تبدیل می‌کرد، سبب می‌شد با فرهنگ اسلامی و ملی خود به کلی فاصله بگیرند و فرهنگ وارداتی را قبول کنند.

در این زمان و با زحمات بسیار انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام پیروز شد. امام علیه السلام در برخورد تمدن اسلام با غرب، نگاه صد و صفر را کنار گذاشت و راه اعتدال را پیش گرفت. در

۱. همان، ج ۷، ص ۳۴۰.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۰۸.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۴.

۴. ابراهیم ذکری و مرتضی بلبلی، «دفاع از تنگه»، ص ۹؛ امرالله کریمی، «حمله مشروع (سیلی محکم)»؛ ص

نگاه صد، خودباختگی فریاد می‌زد و غربی‌شدن صددرصدی شعار قرار گرفت؛ در نگاه صفر نیز هرچه متعلق غرب بود، گرچه اکتشاف‌ها و اختراع‌ها با دیده تردید کنار گذاشته شد؛ اما در نگاه اعتدالی تمایز بین جهات مثبت و منفی غرب سرلوحه کار قرار گرفت که امام خمینی علیه‌السلام در ایران پرچمدار آن بود. به نظر امام علیه‌السلام باید پیشرفت‌های غرب را پذیرفت و در پیشرفت معنویت از آنها سود جست.

کتاب‌نامه

۱. جان‌احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
۲. خسروپناه، عبدالحسین، جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها، قم: تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۳. داستانی بیرکی، علی و مهدی سرحدی، رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی علیه‌السلام: مجموعه مقالات و رویدادهای همایش بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی علیه‌السلام، بیروت: [بی‌نا]، ۱۳۷۹ ش.
۴. دوران، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صرامی و ابوالقاسم پاینده، چ ۶، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
۵. ذکری، ابراهیم و مرتضی قم بلبلی، «دفاع از تنگه»، نشریه داخلی کانون کوثر، ۱۳۶۰ ش.
۶. زمانی محبوب، حبیب، «بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، نشریه پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال ۴، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۷. سیاه‌پوش، امیر و علی آقاپور، فرهنگ از منظر مقام معظم رهبری، تهران: شهیر، ۱۳۹۰ ش.
۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۵۰۸ ق)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: رضی، ۱۳۷۵ ش.
۹. کریمی، امرالله، «حمله مشروع (سیلی محکم)»، نشریه حجره، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیدهاشم حسینی، چ ۳، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۸ ش.
۱۱. مجله کاوه (ژانویه ۱۹۲۰)، چاپخانه کاویانی، ش ۳۶.
۱۲. محسنی، مصطفی، از زبان روزگار، تهران: نشر معارف، ۱۴۰۲ ش.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، جوانان، چ ۸، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ش.

۱۴. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چ ۳۲، تهران: صدرا، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. مقریزی، أحمد بن علی (م ۸۴۵)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، تهران: ذکر، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. _____، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. _____، کشف اسرار، تهران: محمد، [بی تا].
۱۹. _____، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. ولایتی، علی‌اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، چ ۲۸، تهران: نشر معارف، ۱۳۸۹ ش.

21. Miron Rezun, The Soviet Union and Iran: Soviet policy in Iran from the Beginnings of the Pahlavi Dynasty until the Soviet Invasion in ۱۹۴۱

پایگاه اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۸۴/۰۹/۰۷.